



بررسی موانع و راه کارهای توسعه کارآفرینی در بین دانشجویان رشته های کشاورزی

فرشاد پرموزه^۱، رضا موحدی^{۲*}

^۱دانشجوی کارشناسی ارشد/ دانشگاه بو علی سینا، ^۲استادیار/ دانشگاه بوعلی سینا

چکیده

هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی موانع و راهکارهای توسعه کارآفرینی در بین دانشجویان رشته های کشاورزی می باشد. جامعه آماری این تحقیق را ۱۱۰۰ نفر دانشجویان دانشکده کشاورزی دانشگاه بوعلی سینا همدان تشکیل دادند که تعداد ۱۸۵ نفر از آنها به طور تصادفی با استفاده از جدول کرجسی و مورگان به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار مورد استفاده برای جمع آوری داده ها پرسشنامه بود که روایی صوری آن به وسیله اساتید و متخصصین بررسی و تأیید گردید و جهت تعیین پایایی پرسشنامه تعداد ۳۰ پرسشنامه توسط دانشجویان طی فرایند پیش آزمون تکمیل و ضریب آلفای کرونباخ برای بخش های مذکور محاسبه شد و در نهایت مقدار $\alpha = 0.77$ ، بدست آمد. نتایج نشان داد مهم ترین موانع توسعه کارآفرین در بین دانشجویان کشاورزی عدم ایجاد منابع و سرمایه درخصوص کارآفرینی و عدم آموزش مهارت های اولیه مورد نیاز برای کار در آینده و کارآفرینی به دانشجویان است. نتایج نشان داد که مهمترین راهکارهای توسعه کارآفرینی شامل: ارتباط موثر بین مواد آموزشی و محتوای درسی در دانشگاه با نیازهای جامعه و بازار کار همچنین برنامه های آموزش کارآفرینی در دانشگاههاست. در نهایت با توجه به نتایج بدست آمده پیشنهادهایی کاربردی ارائه گردیده است.

واژه های کلیدی: آموزش کارآفرینی، توسعه کارآفرینی، دانشجویان کشاورزی

مقدمه

زمانی نه چندان دور عقیده بر این بود که گسترش دانشکده های کشاورزی و تربیت نیروی تحصیل کرده، منجر به افزایش اشتغال و توسعه کشاورزی و روستایی و بالطبع رشد اقتصادی خواهد شد که نگاهی اجمالی به تعداد فارغ التحصیلان رشته های کشاورزی بیکار نشان می دهد، علاوه بر اینکه در کشور ما کمبودی از لحاظ نیروی تحصیل کرده نداریم، بلکه مشکل بیکاری آنها به معضل عمده دیگری بدل شده است. همانطور که بر کسی پوشیده نیست، یکی از کارکردهای آموزش عادی تربیت فارغ التحصیلان خلاق و کارآفرین می باشد. اقدامی که متأسفانه در کشور ما اتفاق نیافتاده و نشان از این دارد که آموزش عالی در رسیدن به این مهم از کارایی چندانی برخوردار نبوده است (مقیم ۱۳۸۷).

با بررسی روند رشد اقتصادی کشورهای توسعه یافته، مشخص می شود که کارآفرینان در رشد اقتصادی و اشتغال زایی نقش زیادی داشته اند. یکی از کارکردهای اصلی آموزش در سطوح مختلف بویژه آموزش عالی تربیت فارغ التحصیلان خلاق و کارآفرین می باشد. نگاهی اجمالی به کارایی فارغ التحصیلان رشته های کشاورزی و توانمندیهای عملی آنها برای ایجاد تحول در بخش کشاورزی کشور نشان دهنده این واقعیت ناخوشایند می باشد که آموزش عالی در رسیدن به این مهم از کارایی چندانی برخوردار



نبوده است. سوالی که مطرح می شود این است که موانع تحقق کارآفرینی در آموزش عالی کشاورزی ما کدامند؟ آیا راهکارهایی برای رفع این موانع وجود دارند؟

همچنین اکثر مطالعات تجربی و زمینه‌یابی نشان داده‌اند که : با استفاده از آموزش کارآفرینی می‌توان کارآفرینی را تعلیم داد و یا حداقل ترغیب نمود و سؤال مناسب‌تری را که می‌توان در زمینه آموزش کارآفرینی مطرح ساخت این است که : چه چیز باید آموزش داده شود و چگونه؟ (Kuratko, 2003 & 2004). در سال ۱۹۹۷، دکتر «جیف هیوارد» از دانشگاه آکسفورد، پژوهشی را درخصوص علاقه دانشجویان به روشهای آموزش کارآفرینی در دانشگاههای اسکاتلند انجام داد و دریافت که دوره‌های کارآفرینی، نه تنها دانش و مهارت را در دانشجویان افزایش می‌دهد، بلکه دانشجویان به آن دید مثبتی دارند و همچنین، نوعی آگاهی را در خصوص مسائلی که دانشجویان در رابطه با آنها اطلاعاتی ندارند، ایجاد و آنها را در جهت کسب اطلاعات بیشتر، تشویق می‌کند. کار آفرینی با کارکردها و پیامدهای مثبتی که دارد، به عنوان راه حلی اساسی برای رفع بسیاری از مشکلات و بحرانهای داخلی و باقی ماندن درعرصه رقابتهای جهانی، از سوی بسیاری از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه مورد توجه قرار گرفته است.

اهداف تحقیق:

۱. بررسی راههای تقویت کار آفرینی و ایجاد محیطی مشوق ابتکار و خلاقیت در میان دانشجویان کشاورزی. که لازمه ایجاد چنین محیطی فراگیر محور بودن دانشگاهها و محیطهای آموزشی میباشد.
۲. بررسی رفع موانع ارتباط دانشجویان و در نتیجه فارق التحصیلان کشاورزی با کسب و کارهای مرتبط با کشاورزی، و ایجاد روحیه کارآفرینی در میان آنها.
۳. توجه مسئولان به نقش واهمیت کار آفرینی در اشتغال پذیری رشته های مختلف کشاورزی و اختصاص وقت و هزینه به آن.
۴. بررسی افزایش رابطه موثر بین آموزش عالی کشور و دانشکدههای کشاورزی با محیط واقعی روستاها و بخشهای مختلف کشاورزی.

پیشینه تحقیق:

اشتغال و بیکاری دانش آموختگان آموزش عالی به طور عام و آموزش عالی کشاورزی به طور خاص یکی از مسائل موردتوجه درکشور ایران است. افزایش چشمگیر بیکاری درمیان فارغ التحصیلان بخش کشاورزی به یکی از مسائل و مشکلات جامعه امروز تبدیل شده است که برای حل این معضل می توان از کارآفرینی به عنوان راهکاری اثربخش بهره گرفت. با توجه به این امر ایجاد و تقویت روحیه کارآفرینی به خصوص درمیان دانشجویان از اهمیت بالایی برخوردار است. کارآفرینی از منابع مهم و پایان ناپذیر همه جوامع بشری است منبعی که به توان و خلاقیت انسان‌ها برمی‌گردد و افراد خلاق نوآوری و مبتکر به عنوان کارآفرینان منشا تحولات بزرگی درزمینه‌های صنعتی تولیدی و خدماتی شده‌اند، درنتیجه با توجه به نقشی که کارآفرینی درحیات اقتصادی دارد می‌توان توسعه آن را یکی از اساسی‌ترین فعالیت‌ها برای نیل به توسعه اقتصادی دانست. بررسی روند رشد اقتصادی کشورهای توسعه یافته نشان می‌دهد که کارآفرینان دررشد اقتصادی و اشتغال‌زایی نقش زیادی داشته‌اند. با توجه به مباحث مطرح شده، اهمیت کارآفرینی و تربیت فارغ التحصیلان کشاورزی کارآفرین مشخص می‌شود. سوالی که در این زمینه مطرح می‌شود این است که موانع تربیت فارغ التحصیلان کارآفرین در بخش کشاورزی برای پاسخ به این سوال توجه به تاریخچه شروع آموزش کشاورزی در ایران می‌تواند راه‌گشا باشد. چیست؟ نحوه شروع آموزش عالی کشاورزی در ایران مشخص می‌شود که سیستم فعلی آموزش عالی از خارج وارد شده و در واقع آموزش عالی کشاورزی با ساختار موجود فعلی از غرب وارد کشور شده است و لذا رابطه مناسبی بین



محیط واقعی روستاها و بخش کشاورزی کشور با آموزش عالی وجود ندارد. این موضوع یکی از موانع اصلی در نزدیک نمودن محتوا و ماهیت آموزش عالی به شرایط واقعی محیط روستا و کشاورزی را موجب شده است. (حسینی، ۱۳۸۴).

مانع عمده دیگری که درمقابل افزایش کارایی آموزش عالی قرار دارد فاصله جغرافیای ایجاد شده بین محیط آموزشی و محیط واقعی کشاورزی می باشد که خود به خود منجر به ایجاد موانع دیگری در زمینه ارتباط دانشجویان و در نتیجه فارغ التحصیلان کشاورزی با کسب و کارهای مرتبط با کشاورزی می گردد. همانطور که در مباحث بالا مطرح شد کارآفرینی ارتباط مستقیمی با خلاقیت و نوآوری دارد. لذا یکی از لازمه های تقویت کارآفرینی در میان دانشجویان، ایجاد محیطی مشوق ابتکار و خلاقیت دانشجویان می باشد که لازمه ایجاد چنین محیطی فراگیر محور بودن دانشگاه ها و محیط های آموزشی می باشد. توجه به واقعیت های موجود در دانشگاه ها و از جمله دانشکده های کشاورزی گویای این واقعیت است که دانشگاه ها بیشتر محتوا محور و در برخی موارد آموزشگر محور می باشند. تجارب موفق در زمینه بهبود کیفیت کارایی دانشجویان و فارغ التحصیلان در سال تحصیلی ۷۸_۷۷، مدیریت مزرعه دانشکده کشاورزی دانشگاه رازی کرمانشاه اقدام به اجاره زمین های زراعی دانشکده به دانشجویان نمود. اگر چه در ابتدا دانشجویان رغبتی به این کار نشان نمی دادند ولی باتشویق ها و حمایت های مکرر مسئولین دانشکده و به خصوص مدیرمزرعه آموزشی، حدود ۲۵ هکتار زمین زراعی با هدف آموزش به دانشجویان واگذار گردید. در این راستا یک کمیته دانشجویی تشکیل گردید و کلیه مسؤولیت ها و کارهای مربوط به مزارع دانشجویان به این کمیته واگذار شد. در مراحل اولیه این طرح با تمهیداتی که از سوی مدیریت مزرعه آموزشی دانشکده کشاورزی صورت گرفته بود، تلفیق آموزش های تئوری و عملی در مزارع اجاره شده توسط دانشجویان به عنوان هدف اصلی انتخاب شد. همانطور که انتظار می رفت این کار نتیجه بسیار خوبی به همراه داشت، به طوری که در مدت کوتاهی باعث تغییر و بهبود نگرش این دانشجویان به کارهای تولیدی و عملی کشاورزی گردید. این دانشجویان اظهار می داشتند. اگر کار کشاورزی با به بکارگیری روش های علمی، همراه گردد نتیجه و سود بسیار خوبی در پی خواهد داشت که به راحتی می توان از یک هکتار زمین زراعی معادل دوبرابر حقوق سالیانه یک کارمند دولت محصول برداشت نمود.

اظهاراتی از این قبیل از طرف دانشجویانی که عملاً وارد کار کشاورزی شده و به ازاء درآمد بالای یک میلیون تومان از هر هکتار کسب کرده بودند و تقاضای بیش از ۲۵۰ نفر از دانشجویان پسر و دختر برای اجاره زمین از دانشکده برای کشت در سال های بعد و کسب موفقیت و انگیزه بیشتر در نتیجه این کارها و همچنین تجربه مشابه انجام شده در دانشگاه مشهد، به خوبی اثربسیار مثبت تلفیق دروس عملی باتئوری را در علوم کشاورزی نشان می دهند که نایبستی از آن غفلت نمود. از جمله تجارب مفیدی که در زمینه بهبود کیفیت آموزش عالی صورت گرفته می توان به تجربه دانشکده هاگزیبری در کشور استرالیا اشاره نمود. در این دانشکده بر شیوه آموزش تجربی و بر کسب مهارت های عملی و کاربردی کشاورزی توسط تاکید می شود. باید وضعیت نیروی انسانی و توانمندی های فعلی و نارسایی های فعلی بخش کشاورزی را از بعد کارآفرینی شناسایی نمود. در این رابطه دید نظام مند ضرورت دارد تا تعادل و پایداری سیستم کشاورزی و تعامل آن با سایر سیستم های اجتماعی و اقتصادی جامعه به هم نخورد.

(رایت و همکارانش، ۱۹۹۹). در بررسی موانع کارآفرینی دانشگاهی برای توصیف فقدان منابع مالی مورد نیاز برای توسعه و انتقال تجاری فناوری از اصطلاح شکاف مالی و برای توصیف فقدان دانش و مهارت در زمینه فعالیت های تجاری و راه اندازی و اداره کسب و کار از اصطلاح "شکاف دانش" استفاده کردند و این دو شکاف را از عوامل عمده عدم گرایش دانشگاهیان به فعالیتهای تجاری دانست.

(زمانی پور، ۱۳۷۴). که اگر نتوان دروس و رشته های تحصیلی را در مراکز آموزش کشاورزی با نیازهای ویژه روستایی و بخش کشاورزی تطبیق داد، به طوری که فراگرفته های دانش آموختگان کاربرد عملی نداشته باشند و در محیط واقعی قابل پیاده شدن نباشند، تعداد کثیری از دانش آموختگان نمی توانند در توسعه کشاورزی موثر واقع شوند.



(دکترایتال، ۲۰۰۷). در پژوهش ایشان که به منظور شناسایی موانع عمده فرایند انتقال فناوری از دانشگاه به محیط کسب و کار انجام گرفت، "تفاوت‌های فرهنگی بین دانشگاه و محیط کسب و کار" و "نیاز به سرمایه‌گذاری بیشتر برای توسعه فناوری، در دو کشور آمریکا و انگلستان، به منزله عمده‌ترین موانع شناسایی شدند، ولی در انگلستان بر "مشکلات ارتباطی" و "انتظارات متفاوت مالی" بیشتر تأکید شد.

(یعقوبی و سلمان زاده، ۱۳۸۴). در پژوهش ایشان مهم‌ترین موانع به صورت زیر خلاصه شد. عدم تناسب توسعه کمی دانشگاه با ظرفیت اشتغال، عدم ارتباط دانشگاه با عرصه‌های عملی کشاورزی، عدم شناخت قبلی دانشجویان از رشته‌های کشاورزی، عدم تطبیق برنامه آموزش کشاورزی با نیازهای شغلی جامعه، عدم ارتباط دانشگاه با سازمان‌های اجرایی و عدم حمایت دولت از دانش‌آموختگان کشاورزی.

(حیدرزاده، ۱۳۸۴). مهم‌ترین موانع دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی را برای اجرای طرح کار آفرینی به صورت زیر بیان می‌کند. ارائه دروس به صورت نظری، حفظ کردن محتوا توسط دانشجویان و عدم درک عمیق از آن، ناهماهنگی بین نیازهای بازار کار و مراکز آموزشی، نا آشنایی جوانان با بازار کار، عدم مشارکت بخش خصوصی در زمینه‌های پژوهشی و توسعه فعالیت‌های تولیدی.

(غلامی، ۱۳۸۲). نتایج پژوهش ایشان، بکارگیری روش‌های توسعه آموزش کار آفرینی در مراکز آموزش عالی کشاورزی را در افزایش مهارت‌های کار آفرینی دانشجویان رشته‌های کشاورزی موثر برشمرد و در این راستا انطباق محتوای آموزشی با نیاز بازار کار و تناسب سر فصل دروس با مقوله کار آفرینی را مورد تأکید قرار داد.

(وریت ایت آل، ۲۰۰۷). موانع ورود دانش‌آموختگان کشاورزی به بازار کار را به صورت زیر برمی‌شمارد. محدود بودن فرصت‌های شغلی ایجاد شده در بخش کشاورزی، عدم توانایی مالی برای فراهم آوردن مقدمات شغلی در بخش کشاورزی و عدم حمایت دولت از دانش‌آموختگان کشاورزی.

روش شناسی پژوهش

این تحقیق مبتنی بر پارادایم کمی بوده و از لحاظ هدف کاربردی، از نظر گردآوری داده‌ها از نوع میدانی، از منظر کنترل متغیرها از نوع غیرآزمایشی و از نظر نحوه گردآوری اطلاعات، اسنادی و کتابخانه‌ای است. جامعه آماری تحقیق، متشکل از ۱۱۰۰ دانشجوی کارشناسی و کارشناسی ارشد در دانشکده کشاورزی دانشگاه بو علی سینا بود. برآورد حجم نمونه با استفاده از فرمول کرجسی و مورگان انجام شد. حجم نمونه نهایی ۱۸۵ نفر بوده است. نمونه‌گیری به صورت تصادفی در این مطالعه به کار برده شد. ابزار تحقیق پرسش‌نامه‌ی طراحی شده توسط محقق بوده و در راستای هدف کلی تحقیق و بر پایه‌ی چارچوب نظری تحقیق با جست‌وجوی کتابخانه‌ای و اینترنتی و نیز گفت و گو و تبادل نظر با گروهی از محققان و اساتید دانشکده‌ی کشاورزی تدوین شده است. رویه‌ی ابزار تحقیق توسط اساتید دانشکده کشاورزی مورد تأیید قرار گرفته و پایایی یا قابلیت اعتماد ابزار تحقیق نیز با انجام یک پیش‌آزمون و با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ مورد آزمون قرار گرفت. به گونه‌ای که ضریب آلفای بدست آمده $\alpha = 0/77$ درصد) نشان‌دهنده قابلیت اعتماد و پایایی ابزار تحقیق بود. برای تجزیه تحلیل داده‌ها از SPSS استفاده شد.

ابزار پرسشنامه تحقیق از سه بخش تشکیل شده است که بخش اول شامل سوالاتی درباره سن، جنس، محل زندگی، رشته تحصیلی، گرایش، شرکت در دوره‌های مرتبط با کار آفرینی، بود. بخش دوم سوالات مربوط به سنجش موانع کار آفرینی که به صورت طیف لیکرت ۵ تایی (خیلی زیاد: ۵، زیاد: ۴، متوسط: ۳، کم: ۲ و خیلی کم: ۱) بود. و بخش سوم شامل سوالات مربوط به



راهکاهای توسعه کارآفرینی است (۲۰ سوال در قالب طیف لیکرت) که به صورت طیف لیکرت ۵ تایی (خیلی زیاد: ۵، زیاد: ۴، تا حدودی: ۳، کم: ۲ و خیلی کم: ۱) بود.

نتایج

نتایج توصیفی

رشته تحصیلی

همان طور که در جدول شماره ۱ مشاهده می کنید توزیع فراوانی پاسخگویان در شش رشته تحصیلی به گونه ای است که بیشترین فراوانی مربوط به رشته ترویج و آموزش کشاورزی بوده و کمترین فراوانی مربوط به رشته گیاهپزشکی می باشد .

جدول ۱: جدول فراوانی پاسخگویان بر حسب رشته تحصیلی

| گویه | فراوانی | درصد معتبر | درصد تجمعی |
|---------------|---------|------------|------------|
| باغبانی | ۲۹ | ۱۵.۷ | ۱۵.۷ |
| ترویج و آموزش | ۵۲ | ۲۸.۱ | ۴۳.۸ |
| زراعت | ۳۰ | ۱۶.۲ | ۶۰.۰ |
| گیاه پزشکی | ۱۹ | ۱۰.۳ | ۷۰.۳ |
| دام علوم | ۲۸ | ۱۵.۱ | ۸۵.۴ |
| خاک شناسی | ۲۷ | ۱۴.۶ | ۱۰۰.۰ |
| کل | ۱۸۵ | ۱۰۰.۰ | ۱۰۰.۰ |

۲- جنسیت

همان طور که در جدول مشاهده می شود ۴۱.۶ درصد از پاسخگویان زن و بقیه مرد بوده اند.

جدول ۲: جدول توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب جنسیت

| | فراوانی | درصد | درصد موثر | درصد تجمعی |
|-----|---------|-------|-----------|------------|
| زن | 77 | 41.6 | 41.6 | 41.6 |
| مرد | 108 | 58.4 | 58.4 | 100.0 |
| کل | 185 | 100.0 | 100.0 | ۱۴۱.۶ |
| | | | | ۱۴۱.۶ |



۳- کارآفرینی

همان طور که در جدول شماره ۳ مشاهده می شود ۱۵۰ نفر از پاسخگویان فاقد سابقه کارآفرینی بوده و تعداد ۳۰ نفر دارای سابقه کارآفرینی می باشند.

جدول ۳: جدول سابقه کارآفرینی

| | فراوانی | درصد فراوانی | درصد معتبر | درصد تجمعی |
|-----|---------|--------------|------------|------------|
| بله | 35 | 18.9 | 18.9 | 18.9 |
| خیر | 150 | 81.1 | 81.1 | 100.0 |
| کل | 185 | 100.0 | 100.0 | |

۴- محل سکونت

همان طور که در جدول شماره ۴ مشاهده می شود ۱۶۰ نفر از پاسخگویان ساکن شهر و ۲۵ نفر ساکن روستا هستند.

جدول شماره ۴: محل سکونت پاسخگویان

| | فراوانی | درصد | درصد معتبر | درصد تجمعی |
|-------|---------|-------|------------|------------|
| روستا | 25 | 13.5 | 13.5 | 13.5 |
| شهر | 160 | 86.5 | 86.5 | 100.0 |
| کل | 185 | 100.0 | 100.0 | |

۵- معدل

جدول شماره ۵ معدل پاسخگویان در ۶ گروه مشاهده می شود

| | فراوانی | درصد | درصد تجمعی |
|-------|---------|-------|------------|
| ۱۴-۱۲ | ۱۲ | ۶.۴۸ | ۶.۴۸ |
| ۱۶-۱۴ | ۷۲ | ۳۸.۹۱ | ۴۵.۳۹ |
| ۱۸-۱۶ | ۸۶ | ۴۶.۴۸ | ۹۲.۳ |
| ۲۰-۱۸ | ۱۵ | ۸.۱۰ | ۱۰۰.۴ |



| | | | |
|-----|-----|-----|--------|
| جمع | ۱۸۵ | ۱۰۰ | ۲۴۴.۵۷ |
|-----|-----|-----|--------|

۶-سن

جدول ۶: میانگین سنی پاسخگویان را نشان می دهد.

| سن | فراوانی | درصد | درصد تجمعی |
|-------|---------|-------|------------|
| ۱۸-۲۲ | ۱۰۰ | ۵۴.۰۵ | ۵۴.۰۵ |
| ۲۲-۲۶ | ۸۲ | ۴۴.۳۲ | ۹۸.۳۷ |
| ۲۶-۳۰ | ۳ | ۱.۶۳ | ۱۰۰ |
| جمع | ۱۸۵ | ۱۰۰ | ۲۵۲.۴۲ |

۷. اولویت بندی موانع کارآفرینی

در جدول زیر سوالات یا متغیرهایی که موانع کارآفرینی می باشند به تعداد ۲۲ سوال از پاسخگویان پرسیده شده برحسب میانگین به ترتیب لیست شده است. و این اولویت بندی نشان می دهد که از دیدگاه دانشجویان این موانع در کارآفرینی با هم متفاوت هستند. یعنی بعضی از متغیرها از دیدگاه دانشجویان موانع مهمتری نسبت به دیگر متغیرها می باشند

عمده ترین موانع به ترتیب میانگین از پایین به بالا لیست شده است.

اولویت بندی موانع کارآفرینی برحسب میانگین

| متغیر (سؤال) | میانگین | انحراف معیار |
|--|---------|--------------|
| بکارگیری و توجه به الگوهای نقش موفق کشاورزان کارآفرینی | 3.027۳ | 1.12058 |
| عدم ریسک پذیری در میان دانشجویان | 3.3135 | 1.15112 |
| عدم دسترسی کافی دانشجویان به منابع برای معرفی ایده و شروع کار جدید | 3.3405 | 1.12179 |
| عدم جهت گیری دولت به سوی کارآفرینی | 3.6703 | 1.00241 |
| قوانین و مقررات دست و پا گیر در ایجاد کارآفرینی | 3.6919 | 1.00930 |
| عدم ارائه دروسی در زمینه کارآفرینی در دانشکده های کشاورزی برای دانشجویان رشته های مختلف کشاورزی | 3.7072 | 1.01791 |
| عدم توسعه تاسیس شرکت ها و کسب و کارهای جدید در خصوص رشته های مختلف کشاورزی | 3.7189 | 1.00915 |
| عدم اختصاص هزینه به بخشهای مختلف کشاورزی و کارآفرینی | 3.7730 | .93966 |
| عدم تقدیر و معرفی افراد کارآفرین در بخش کشاورزی در جامعه و دانشگاه | 3.7784 | .94958 |
| عدم آگاهی دانشجویان از ماهیت رشته های کشاورزی و شرایط کاری آینده | 3.8162 | 1.05230 |
| عدم آموزش دانشجویان در خصوص کارآفرینی | 3.8162 | .094912 |
| ترس از موانع اداری برای انجام فعالیتهای کارآفرینانه | 3.8162 | 1.08285 |
| عدم برنامه های تشویق کننده و حمایت کننده دولت از ایده های کارآفرینانه | 3.8486 | .92007 |
| کمبود دانش، تجربه و مهارت کافی در بین دانشجویان در زمینه کارآفرینی | 3.8595 | 1.03825 |
| عدم ارتباط برنامه های آموزشی با نیازهای بازار کار و ناتوانی آموزشگران کشاورزی در تطبیق خود با چالشهای جدید کشاورزی | 3.8703 | .94088 |



| | | |
|--------|--------|--|
| .98395 | 3.8757 | عدم ارایه اکثر واحدهای درسی در دانشگاه ها به صورت عملی |
| .99411 | 3.8919 | عدم حمایت مالی کافی برای شرکت ها جدید و افراد کارآفرین |
| .95282 | 3.8973 | ضعف همکاری سازمان جهاد کشاورزی با دانشکده کشاورزی در ارتقا مهارت عملی دانشجویان و آموزش کارآفرینی به دانشجویان |
| .94921 | 3.9189 | نداشتن مهارت و تجربه کافی در کار کشاورزی |
| .95578 | 3.9297 | عدم آموزش مهارت‌های اولیه مورد نیاز برای کار در آینده و کارآفرینی به دانشجویان در دانشگاه |
| .98511 | 3.9514 | عدم ایجاد منابع و سرمایه در خصوص کارآفرینی در دانشگاه |
| .93276 | 4.0703 | محدودیت مالی دانشگاه برای فراهم نمودن مقدمات خود اشتغالی دانشجویان |

۸- راهکارهای توسعه کارآفرینی برحسب میانگین

در جدول زیرسوالات یا متغیرهایی که راهکارهای توسعه کارآفرینی می باشند به تعداد ۱۸ سوال از پاسخگویان برحسب میانگین به ترتیب از پایین به بالا لیست شده است. و این اولویت بندی نشان می دهد که از دیدگاه دانشجویان این راهکارها در کارآفرینی با هم متفاوت هستند. یعنی بعضی از متغیرها از دیدگاه دانشجویان راهکارهای مهمتری نسبت به دیگرمتغیرها می باشند.

اولویت بندی راهکارهای توسعه کارآفرینی از پایین به بالا برحسب میانگین:

| متغیرها | میانگین | انحراف معیار |
|--|---------|--------------|
| تشویق دانشجویان مبتکر و خلاق | 3.5081 | 1.19382 |
| معرفی کارآفرینانه نمونه و مبتکر در محیط دانشگاه و روستا | 3.5730 | 1.10647 |
| برگزاری کارگاه های با حضور کارآفرینانه نمونه و دانشجویان خلاق به منظور انتقال تجربیات مؤثر | 3.6000 | 1.08448 |
| برداشتن موانع اداری برای کار کارآفرینی | 3.6216 | .94844 |
| اختصاص دادن بودجه و امکانات به افراد کارآفرین | 3.6216 | 1.16450 |
| ایجاد فرهنگ کارآفرینی در دانشگاه | 3.6649 | 1.04575 |
| ارائه درسهای تئوری و عملی در زمینه آموزش کارآفرینی به دانشجویان | 3.6703 | 1.01319 |
| ارائه درسهای تئوری و عملی در زمینه آموزش کارآفرینی به دانشجویان | 3.6865 | .94356 |
| تبیین جایگاه کارآفرینی بین حوزه ها و گرایش های مختلف کشاورزی برای دانشجویان | 3.6973 | .98645 |



| | | |
|--------|---------|---|
| 3.6973 | .99195 | شناسایی دانشجویان مبتکر و خلاق و دادن آموزشهای لازم به آنها در زمینه کارآفرینی |
| 3.7135 | .99950 | ایجاد انگیزه در دانشجویان برای کار کارآفرینی |
| 3.7135 | 1.09300 | عدم تناسب برنامه ریزی درسی و آموزشی در دانشگاه ها با بخش کشاورزی و محیط واقعی روستا ها |
| 3.7730 | .99035 | تجاری کردن دانشگاه ها مخصوصا دانشکده کشاورزی |
| 3.7838 | 1.04088 | ایجاد محیط رقابتی در زمینه کارآفرینی در میان دانشجویان |
| 3.8000 | 1.04673 | حمایت دانشگاه از دانشجویان خلاق و نوآور |
| 3.8216 | .96435 | داشتن ارتباط مؤثر بین آموزش عالی و دانشکده کشاورزی با محیط واقعی روستا ها و بخش های مختلف کشاورزی |
| 3.8270 | .92802 | حمایت های مختلف اجتماعی و فرهنگی دردانشگاه ومحیط بیرون از افراد کارآفرین |
| 3.8973 | .89397 | برنامه های افزایش دهنده آگاهی ودانش و گرایش در خصوص کارآفرینی |
| 3.9459 | 1.01473 | ارتباط مؤثر بین مواد آموزشی و محتوای درسی در دانشگاه با نیازهای جامعه و بازارکار |

نتیجه گیری:

با توجه به تحقیق انجام شده در زمینه کارآفرینی مهمترین موانع و راهکارهای توسعه کارآفرینی در میان دانشجویان به شرح ذیل آمده است:

مهمترین موانع کارآفرینی به ترتیب شامل:

۱. عدم ایجاد منابع و سرمایه درخصوص کارآفرینی
۲. عدم آموزش مهارتهای اولیه مورد نیاز برای کار در آینده و کارآفرینی به دانشجویان در دانشگاه
۳. نداشتن مهارت و تجربه کافی در کار کشاورزی
۴. عدم حمایت مالی کافی برای شرکت ها جدید و افراد کارآفرین
۵. عدم ارتباط برنامه های آموزشی با نیازهای بازارهای کار و ناتوانی آموزشگران کشاورزی در تطبیق خود با چالشهای جدید آموزش

۶. ضعف همکاری سازمان جهاد کشاورزی با دانشکده کشاورزی در ارتقا مهارت عملی دانشجویان و آموزش کارآفرینی به دانشجویان

مهمترین راهکارهای توسعه کارآفرینی به ترتیب شامل:

۱. ارتباط مؤثر بین مواد آموزشی و محتوای درسی دردانشگاه بانيازهای جامعه و بازارکار
۲. برنامه های افزایش دهنده آگاهی ودانش و گرایش در خصوص کارآفرینی



۳. حمایت های مختلف اجتماعی و فرهنگی در دانشگاه و محیط بیرون از افراد کارآفرین
۴. حمایت دانشگاه از دانشجویان خلاق و نوآور
۵. ایجاد محیطی رقابتی در زمینه کارآفرینی در میان دانشجویان
۶. تجاری کردن دانشگاهها مخصوصاً دانشکده کشاورزی

منابع مورد استفاده

- ۱- آراسته، ح (۱۳۸۲). «کارآفرینی و آموزش عالی: اصول و موانع». رهیافت، شماره ۲۹، صص (۱۳-۵).
- ۲- آقاسی زاده، ف (۱۳۷۵). «نارسائی های آموزش کشاورزی در ایران». ماهنامه جهاد، سال شانزدهم: ۱۸۷-۱۸۶، صص. (۳۴-۲۹).
- ۳- احمدپور داریانی، م (۱۳۷۸). «کارآفرینی: تعاریف، نظریات و الگوها». تهران: شرکت پردیس ۵۷.
- ۴- احمدپور داریانی، م (۱۳۸۲). «آیا کارآفرینی راهبرد دانشگاهها را تغییر می دهد؟». رهیافت، شماره ۲۹، صص (۲۶-۱۵).
- ۵- رضازاده، ح؛ شیخان، ن و احمدپور داریانی، م (۱۳۸۱). «کارآفرینی در آلمان». ماهنامه تخصصی بازاریابی، شماره ۲۲، صص (۶۰-۵۸).
- ۶- رضوی نعمت الهی، ا (۱۳۸۴). «کارآفرینی». روزنامه همشهری.
- ۷- زمانی پور اسداله (۱۳۷۴). "مدرسه ومزرعه". مجموعه مقالات هفتمین سمینار علمی ترویج کشاورزی کشور، تبریز.
- ۸- کردنائیچ، اسداله (۱۳۸۴)، " دانشگاه کارآفرین و نقش آن در ایجاد اشتغال"، دومین همایش اشتغال ونظام آموزش عالی کشور، اردیبهشت ۱۳۸۴، تهران.
- ۹- حسینی، سید محمود (۱۳۸۴)، جزوه درسی آموزش کشاورزی، پردیس کشاورزی دانشگاه تهران.
- ۱۰- ملک پور، علی (۱۳۸۴)، " زمینه ها و موانع فرهنگی گسترش کارآفرینی در ایران ". مجموعه مقالات همایش ملی کارآفرینی، رودهن، اسفند ۱۳۸۴. صص: ۴۴۷-۴۲۷.

Drucker, P.F. (1985). *Innovation and Entrepreneurship*. New York, Harper & Row.

Giunipero, L. and Percy, D. (2000). "World Class Purchasing Skills: An Empirical Investigation". *Journal of Supply Chain Management*, 36:4; p.(4-

Decter, M., Bennett, D. and Leseure, M., (2007). "University to business technology transfer_ UK and USA comparisons"; *Technovation*; Vol.27: pp 145-55

Djankov, Simeon, Rafael La Porta, Florencio Lopez-de-Silanes, and Andrei Shleifer, (2002). "The Regulation of Entry", *Quarterly Journal of Economics*, Vol. 67, Iss. 1 (February), pp. 1-37

Maxwell S., (2003). *Development research in europe: towards an (all)-star alliance?* *The European Journal of Development Research* 15(1):194-198.

Siegel, D. S., Waldman, D. A., Atwater, L.E., Link, A. N., (2003). "Commercial knowledge transfers from universities to firms: improving the effectiveness of university- industry collaboration"; *Journal of High Technology Management Research*; Vol.14: pp111-33.